

اماکن و آثار



ربذه کجاست؟

سید علی قاضی عسکر

ربذه تبعیدگاه ابوذر، صحابی با وفا و جلیل القدر پیامبر خدا ﷺ است. شیعیان به دلیل عشق و علاقه‌ای که به ابوذر دارند، در سفر به مدینه منوره، بسیار علاقمندند تا به منطقه ربذه رفته، از نزدیک قبر این صحابی مظلوم و غریب را زیارت کنند. مکانی که میان ایرانیان به «ربذه» شهرت یافته و گاهی حتی علما و بزرگان نیز به آنجا می‌رفتند و بر سر قبری که تصور می‌کردند قبر ابوذر است، فاتحه می‌خواندند، در اطراف قریه‌ای به نام «واسط»، در جاده قدیم مدینه - مکه قرار داشت، که حدود ۱۲۸ کیلومتر با مدینه فاصله دارد.

از جمله بزرگانی که به این منطقه سفر کرده‌اند، مرحوم علامه محمد تقی جعفری رحمته الله است. استاد سید محمد باقر نجفی، مؤلف کتاب «مدینه‌شناسی» در این باره می‌نویسد:

«در اسفند سال ۱۳۵۶ وقتی از سفر پژوهشی مصر باز گشتم، حضور ایشان رسیدم، ضمن گفتگو در باره پژوهش‌هایی که در مدینه و قاهره داشتم، یادی از سفر خود به مدینه و ربذه به میان آوردند. با تعجب پرسیدم: ربذه؟ گفتند: آری، با جمعی از دوستان همسفر، در مدینه ماشینی اجاره کردیم و خواستیم تا ما را به ربذه ببرد، راننده هم راه را می‌دانست و ما را به آنجا برد، در این سفر حال و هوای خاصی داشتیم، نیم ساعتی به طول انجامید تا آنجا رسیدیم، وقتی به بنای

مخروبه قبر ابوذر، صحابی پیامبر اسلام ﷺ رسیدیم، شور و حالی به ما دست داد که وصف ناپذیر است...»^۱

بسیاری از نویسندگان نیز که در باره ابوذر کتاب نوشته و به محلّ شهادت او؛ یعنی ربه‌ه اشاره دارند، همین منطقه را به عنوان «ربه‌ه» شناسانده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مرحوم حسین عماد زاده در مورد قبر ابوذر می‌نویسد:

«جناب ابی ذر - رضوان الله علیه - در قریه واسط ما بین مکه و مدینه، از مدینه به طرف مکه به فاصله ۱۲۸ کیلومتر طرف چپ جاده آسفالته، به فاصله ۲۰۰ متر در قبرستان آن واقع است.»^۲

آقای اصغر قائدان در این زمینه می‌نویسد:

«بیابان مشهور ربه‌ه در شرق مدینه؛ یعنی به سوی یَنْبُع یا ینبوع (نزدیکی ساحل دریای سرخ) واقع شده است. در سمت چپ جاده یا راه مدینه - ینبوع آرامگاه ابوذر غفاری، آن یار با وفای رسول خدا ﷺ و از بهترین و پاک‌ترین صحابه و ارکان اَوْلِیَّهٔ شیعیه است که هیچگاه از حمایت امام و مقتدای خود، علی علیه السلام دست بر نداشت.»^۳

ربه‌ه کجا است؟



نویسنده مرحوم کتاب «با راهیان قبله» در مورد ریزه نوشته است:

«بیابان ریزه تبعیدگاه یکی از بهترین و پاک‌ترین صحابه رسول خدا ﷺ، در راه مکه، بین مدینه و یثرب و در نزدیک دهستان رابع (سرزمین بدر) قرار دارد که راه آن منطقه از واسط جدا می‌شود. در سمت چپ این راه، مدفن ابوذر غفاری واقع شده است.»^۴

مرحوم جعفری گفت: مدارک این موقعیت جغرافیایی تاریخی را بیاورید. فردای آن روز، تقدیم داشتیم، آهی کشید و گفت: ما را به اشتباه انداختند. باید به کسانی که دیدار را نقل کرده‌ام تلفن کنم تا به اشتباه نیفتند.

در پاورقی کتاب «ابوذر غفاری شهید ریزه» نیز آمده است:

«ریزه در یک فرسخی مدینه، سر راه مسافران مدینه به مکه واقع شده است.»^۵

محمد رضا حاج شریفی، مؤلف کتاب «سیمای ابوذر غفاری» آورده است:

«عثمان حکم تبعید ابوذر را - که در آن هنگام پیر مردی نود ساله - بود، به ریزه صادر کرد... آخرین تبعیدگاه او را بیابانی انتخاب کرد که بین مدینه و یثرب واقع شده بود و هیچکس در آن سکونت نداشت.»^۶

در رجال ابوعلی نیز چنین آمده است:

«قبر ابوذر مزار معروفی است در ریزه، که اکنون (یعنی سال ۱۲۶۲ هـ.) آن را صفراء گویند و بین حرمین شریفین قرار دارد.

در کتاب «بهجة الآمال»، که در سال ۱۳۴۱ هجری تألیف شده، موقعیت ریزه را در «صفراء» و به همان صورت که در رجال ابوعلی ذکر شده، آورده و می‌نویسد:

مستنسخ و چاپ کننده بهجة الآمال، که مکرر توفیق زیارت مرقد شریف ابوذر غفاری نصیبش شده، موقعیت قبر شریف آن بزرگوار را در همین سالهای اخیر، به این صورت ذکر کرده است:

ربذه اکنون به صورت قریه کوچک و نسبتاً متوسطی می باشد که دقیقاً در ۱۲۵ کیلو متری مدینه در سمت چپ خیابان اصلی قرار دارد و از خیابان تا مرقد مطهر ابوذر تقریباً پانصد متر فاصله است.

میقات اهل عراق که ذات العرق نامیده می شود، نیز نزدیک همانجا است.^۷

تعداد دیگری از نویسندگان و محققان نیز محل ربذه را همین منطقه ذکر کرده اند، لیکن در کتب و منابع معتبر و نیز نقشه های جغرافیایی عربستان، مکان ربذه در شمال شرقی مدینه معرفی شده و هیچ جایی در مسیر مدینه - مکه به این نام وجود ندارد. اینکه چرا برخی از نویسندگان همان ذهنیتی را که در میان راهنمایان کاروانها، از گذشته تاکنون وجود داشته، مکتوب کرده و به منابع نخستین مراجعه نکرده اند، دقیقاً روشن نیست. یاقوت حموی در باره ربذه می نویسد:

«و الرَبْذَةُ من قرى المدينة على ثلاثة أيام، قريبة من ذات عرق على طريق الحجاز اذا رحلت من فید ترید مكة، و بهذا الموضع قبر أبي ذر الغفاري».^۸
 «ربذه از روستاهای مدینه بوده و سه روز تا آن فاصله است و هنگامی که از فید به طرف مکه، در مسیر حجاز حرکت می کنی، نزدیک به ذات عرق است و در این مکان قبر ابوذر غفاری رضی الله عنه قرار دارد.»

سپس می افزاید:

و في كتاب نصر: «الرَبْذَةُ من منازل الحاج بين السليلة و العمق».^۹
 «در کتاب نصر آمده است: ربذه از منازل حاجیان بین سلیله و عمق است.»

ابن حجر گوید:

«الرَبْذَةُ، موضع بالبادية بينه و بين المدينة ثلاث مراحل».^{۱۰}
 «ربذه مکانی است در صحرائی که میان آن تا مدینه سه مرحله^{۱۱} فاصله است.»

حربی نیز به نقل از ابی قیس کلابی، ربذه را در همین منطقه دانسته، می نویسد:

و قال في تحديد المسافة بين الرَبْذَةُ و بين ماوان و بينها و بين السليلة: و من مغیثة الماوان إلى الرَبْذَةُ عشرون ميلاً و من الرَبْذَةُ إلى السليلة ثلاثة وعشرون

میلاً و نصف، و بها قصر و مسجد، و مسجد أبي ذر صاحب رسول الله ﷺ».^{۱۲}

وی در تعیین فاصله میان ریزه و ماوان و نیز میان ریزه و سليله نوشته است:

«از مغیشة الماوان تا ریزه ۲۰ میل و از ریزه تا سليلة ۲۳/۵ میل فاصله است و در آنجا قصری و مسجدی وجود دارد و مسجد ابوذر، صحابی رسول خدا ﷺ در آنجا است.

و قال الأصمعی يذكر نجداً؛ الشرف كبد نجد... وفي أول الشرف الرَبْذَة...»^{۱۳}

ریزه از روستاهای مدینه بوده و سه روز تا آن فاصله است و هنگامی که از فید به طرف مکه، در مسیر حجاز حرکت می‌کنی، نزدیک به ذات عرق است و در این مکان قبر ابوذر غفاری رضی الله عنه قرار دارد.

اصمعی گفته است: شرف در وسط و مرکز نجد قرار دارد و ریزه در ابتدای شرف است.

مرحوم طریحی در مجمع البحرین می‌نویسد:

«الرَبْذَة بالتحريك، قرية معروفة قرب المدينة نحواً من ثلاثة أميال، كانت عامرة في صدر الإسلام، فيها قبر أبي ذر الغفاري و جماعة من الصحابة، و هي في هذا الوقت دارسة لا يعرف لها أثرٌ ولا رسم».^{۱۴}

ریزه روستای معروفی است که حدود سه میلی^{۱۵} و نزدیک مدینه قرار دارد و در صدر اسلام قریه آبادی بوده و قبر ابوذر غفاری و تعدادی از صحابه در آنجا است. ریزه اکنون (یعنی پیش از سال ۱۰۸۵ ه. ق.) ویران شده و اثری از آن باقی نیست. مرحوم سید محسن امین می‌نویسد:

«و الرَبْذَة (بفتح الراء المهملة و الباء الموحدة و الذال المعجمة على وزن قَصَبَة): في القاموس هي مدفن أبي ذر الغفاري قرب المدينة، و في المصباح

المنیر، هی قریه کانت عامرة فی صدر الاسلام و بها قبر أبی ذر الغفاری و هی فی وقتنا هذا دارسة لا یعرف لها رسم و هی من المدینة فی جهة الشرق علی طریق الحاج نحو ثلاثة أيام، هكذا أخبرني به جماعة من أهل المدینة سنة ٧٢٣ هـ ق.^{١٦}

«و ربنده بر وزن قَصَبَه، در قاموس آمده، محل دفن ابوذر و نزدیک مدینه است. در مصباح المنیر نیز آمده: ربنده روستایی است که قبر ابوذر در آن است و در صدر اسلام آباد بوده، لیکن در زمان ما از میان رفته و هیچ اثری از آن نیست. ربنده در سمت شرقی مدینه، در مسیر حاجیان به فاصله سه روز راه قرار دارد. سپس می‌افزاید: عده‌ای از اهل مدینه در سال ٧٢٣ هـ ق. همین مطلب را به من گفته و خبر داده‌اند.»

سمهودی نیز در باره ربنده چنین می‌نویسد:

«ربنده (به تحریک با و اعجام نال)، قریه‌ای است به نجد، از اعمال مدینه مشرفه، چهار روز راه از آنجا، و پیغامبر ﷺ آنجا را برای ایل صدقه قُرُق نمود و به قولی آن‌که ابوبکر آن را قُرُق ساخته و قولی دیگر آن‌که عمر قرق ساخته و این قول مشهور تر است.»^{١٧}

قرائن دیگری نیز در کتاب سمهودی یافت می‌شود که از آنها می‌توان به خوبی دریافت ربنده همین مکانی است که در نقل‌های فوق از آن یاد گردید. برخی از این قرائن عبارتند از:

«سلیله، موضعی است از ربنده.^{١٨} شابه، به بای موخده مخففه، کوهی است میان ربنده و سلیله.^{١٩} شُقر، به قاف ایضاً به وزن زُقر، آبی است در ربنده و کوهی است مشرف بر معدن ماوان.^{٢٠} مغیث، به صیغه اسم فاعل، میان معدن النقره و ربنده است و معروف است به مغیث ماوان.^{٢١} ابرق العزاف (به عین مهمله و زای معجمه مشدده و فا)، میان مدینه و ربنده است، به مقدار بیست میل دورتر از مدینه.»^{٢٢}

اماکنی که سمهودی از آنها نام برده، منازل میان راه کوفه به مکه است که حاجیان عراق در گذشته از آن استفاده می‌کردند.

دیگر نویسندگان و محققان نیز وقتی از منازل اطراف ریزه نام می‌برند و فاصله‌ها را بیان می‌کنند، به خوبی می‌توان دریافت که این منازل در مسیر عراق به مکه واقع شده و هیچ ارتباطی با مسیر مدینه به مکه و یثع ندارد که برای روشن تر شدن موضوع، به برخی از این نقل‌ها اشاره می‌شود:

ابن خرداد به، فاصله میان مغیة الماوان تا ریزه را ۲۴ میل دانسته و گفته است: در آنجا برکه‌ها و چاههایی است.^{۲۳}

اما ابن رسته فاصله میان ریزه تا مغیة الماوان را ۲۳ میل و فاصله آن تا سليله را ۲۳/۵ میل ذکر کرده است. وی سپس می‌نویسد:

«در آنجا اعراب سکونت داشته‌اند و دارای آب زیاد و برکه‌ها و چاه‌ها است. منزل ابوذر و قبر او در آنجا واقع شده و در آن مسجد جامعی وجود دارد و روستایی از روستاهای جاهلیت است.»^{۲۴}

حربی فاصله ریزه تا مغیة الماوان را ۲۰ میل و تا سليله را ۲۳/۵ میل دانسته، می‌نویسد:

«در ریزه قصری و نیز مسجدی به نام ابوذر، صحابی رسول خدا ﷺ وجود دارد و گفته می‌شود، قبر ابوذر نیز در همان مسجد است.»^{۲۵}

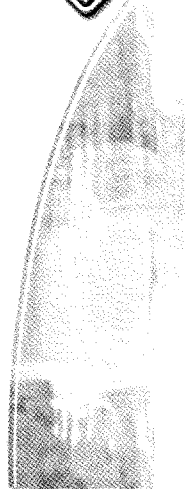
حربی سپس می‌افزاید:

«در ریزه چاه‌های زیادی وجود دارد.»

و از میان آنها سیزده چاه بهتر را نام می‌برد و می‌گوید:

«یکی از این چاه‌ها، چاهی است که در مسجد واقع شده و همان چاه ابوذر است.»^{۲۶}

ریزه روستایی است که قبر ابوذر در آن است و در صدر اسلام آباد بوده، لیکن در زمان ما از میان رفته و هیچ اثری از آن نیست. ریزه در سمت شرقی مدینه، در مسیر حاجیان به فاصله سه روز راه قرار دارد.



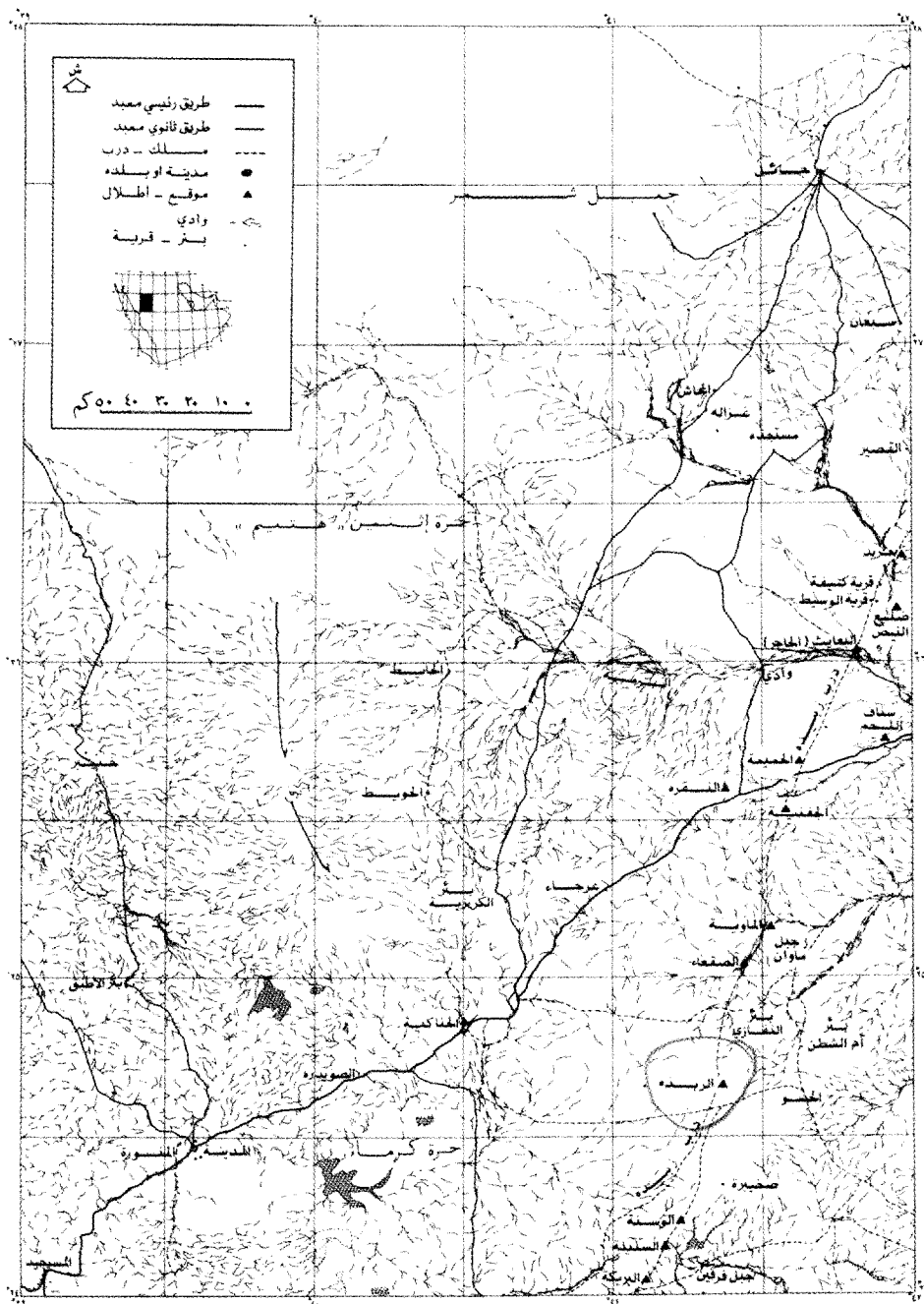
همدانی مسافت میان ریزه و سلیله را ۲۳ میل و عرض منطقه ریزه را ۲۵ قسمت (جزء) و فاصله میان ریزه و ماوان را ۲۶ میل ذکر کرده است.^{۲۷}

مروری بر اسامی منازل و توقف گاههای بین راه عراق و مکه نیز هیچگونه جای تردید باقی نمی گذارد که ریزه در مسیر حج قدیم عراق که به درب زبیده معروف است واقع شده و هیچ ارتباطی با مسیر مدینه به مکه ندارد.

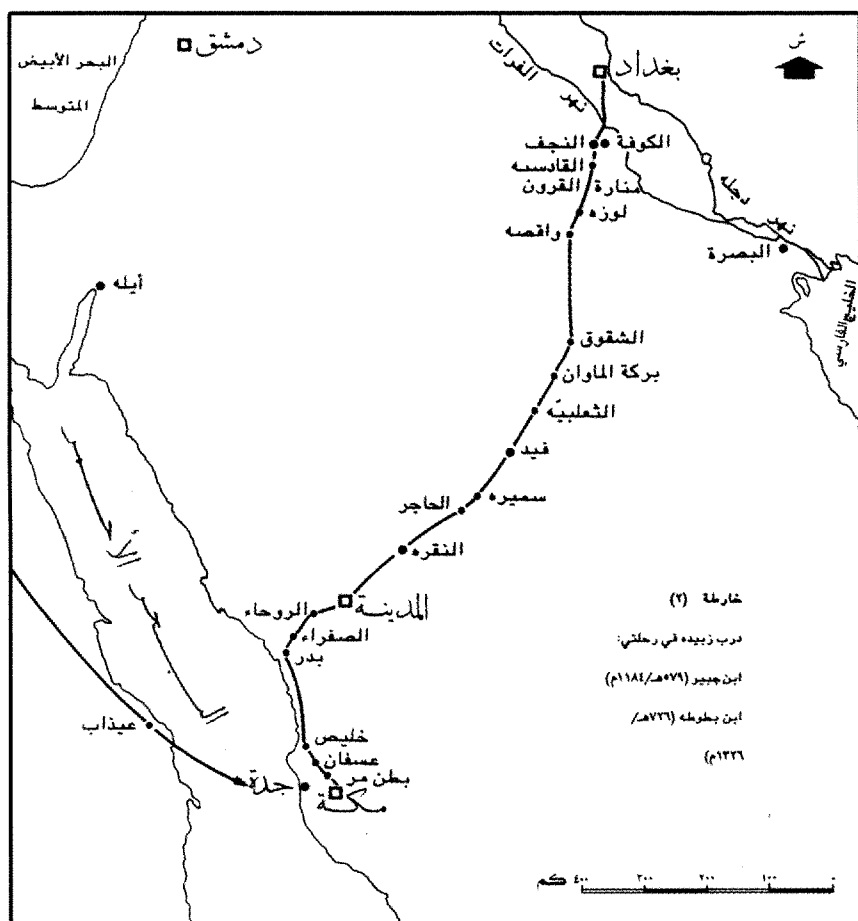
منازل و توقف گاههای مسیر درب زبیده از کوفه تا مکه مکرمه به ترتیب ذیل است:

۱. الکوفه	۲۰. المحمية	۳۹. الریزه
۲. القادسیه	۲۱. الثعلبية	۴۰. الکنین
۳. العذیب	۲۲. الغمیس	۴۱. معدن بنی سلیم
۴. وادی السباع	۲۳. الخزیمية	۴۲. شروری
۵. المغیثة	۲۴. بطن الأغر	۴۳. السلیله
۶. مسجد سعد	۲۵. الأجر	۴۴. العمق
۷. القرعاء	۲۶. القرائن	۴۵. الکراع
۸. الطرف	۲۷. فید	۴۶. أفعیه
۹. واقصة	۲۸. القرنین	۴۷. المسلح
۱۰. القبیات	۲۹. توز	۴۸. القصر
۱۱. العقبة	۳۰. الفحیمة	۴۹. الغمره
۱۲. الجلحاء	۳۱. سمیراء	۵۰. اوطاس
۱۳. القاع	۳۲. العباسیه	۵۱. ذات عرق
۱۴. الجریسی	۳۳. الحاجر	۵۲. غمر ذی کنده
۱۵. زباله	۳۴. قروری	۵۳. بستان بنی عامر
۱۶. التنایر	۳۵. معدن القرشی	۵۴. مشاش
۱۷. الشقوق	۳۶. السمط	۵۵. مکه المکرمه ^{۲۸}
۱۸. ردان	۳۷. مغیثة الماوان	
۱۹. البطان	۳۸. اریمه	

ربذہ کیجا است؟



نقشه مسیر درب زبیده که توسط آقای سعد عبدالعزیز الراشد تهیه شده است.



این مسیر به نام درب زبیده* نامگذاری شده و جهان گردانی همچون ابن جبیر و ابن بطوطه نیز در سفر نامه های خود از آن یاد کرده اند:

مسیر درب زبیده به روایت ابن جبیر و ابن بطوطه



در کتابهای تاریخی، جغرافیایی و تراجم، از ریزه به مناسبتهای مختلف دیگر همچون قرقگاه گوسفندان و شتران بیت المال، یکی از منازل میان راه درب زبیده، عبور یکی از خلفا و امیران از این منطقه و یا فوت یکی از شخصیتهای مهم در آنجا یاد شده است. ۲۹

*. زبیده نام همسر هارون است.

در منابع یاد شده آمده است:

«عمر بن خطاب در سال ۱۶ ه. ق. برابر با ۶۳۷ م، این منطقه را چراگاه شتران و گوسفندان مربوط به بیت المال قرار داد و تا زمان مهدی عباسی، در سال ۱۵۸ تا ۱۶۹ ه. ق. نیز این وضعیت ادامه داشت و از چنان اهمیتی برخوردار بود که خلفا برای آن والی معین می کردند. یکی از این والیان ابوسلامه اسید بن مالک است که فرزندان او تا آغاز قرن چهارم هجری در این منطقه حضور داشته اند.»^{۳۰}

این منطقه تا آنجا اهمیت داشته که عمر بن خطاب حدود چهل هزار شتر را از چراگاه ربذه برای استفاده در جهاد با دشمنان اسلام به منطقه جنگی گسیل می کرده است.^{۳۱}

از زمانی که ابوذر، یار صمیمی و با اخلاص پیامبر خدا ﷺ در سال ۳۰ ه. ق. توسط عثمان به ربذه تبعید شد و دو سال بعد؛ یعنی در سال ۳۲ ه. ق. در آنجا به شهادت رسید، این منطقه از شهرت بیشتری برخوردار گردید.

برخی از چهره های نامدار صدر اسلام؛ چون سلمه بن اکوع و محمد بن مسلمه نیز در آنجا سکونت داشته اند. همچنین تعدادی از راویان اهل سنت مانند ابی عبدالعزیز موسی بن عبیده بن نشیط الربذی و دو برادرش محمد و عبدالله را نیز به ربذه نسبت داده و گفته اند: موسی در سال ۱۵۳ ه. ق. در ربذه وفات یافته است. یحیی بن اکثم، قاضی القضاات متوکل عباسی نیز در سال ۲۴۲ ه. ق. در ربذه مرده است.^{۳۲}

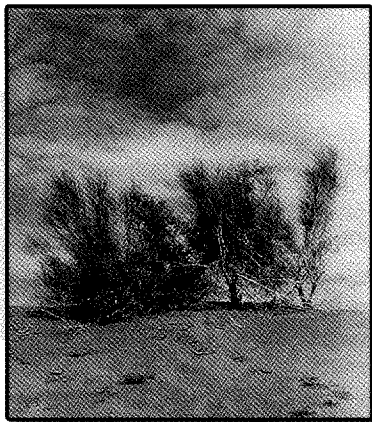
از مجموع آنچه گذشت، می توان چنین نتیجه گرفت که ربذه تا قرن سوم، منطقه ای شناخته شده و مورد توجه خلفا بوده است، لیکن در سال ۳۱۹ ه. ق. به دلیل سلطه قرامطه بر آن و کوچ دادن مردم آن منطقه به نقطه ای دیگر، ویران گردید و رفته رفته شهرت خود را از دست داد.

مقدسی که در نیمه دوم قرن چهارم از آن منطقه عبور کرده، در وصف ربذه می نویسد:

«ماء زعاق و موقع خراب»؛^{۳۳} «آب بسیار شور و تلخ غیر قابل نوشیدن و مکانی

ویران.»

به همین دلیل منطقهٔ ریزه به تدریج از یادها رفت و به صورت ناشناخته در آمد. برخی از محققان عربستان، از سالها قبل، با توجه به خصوصاتی که از ریزه در تاریخ و آثار جغرافیایی گذشته وجود داشت، به جستجو پرداخته تا شاید آن را شناسایی کنند. محمد بن عبد الله بن بلهید در این راستا تلاشی را آغاز کرد، لیکن به دلیل آنکه تصور می‌کرد ریزه همان حناکيه یا نزدیک به آنجا است، در دستیابی به حقیقت توفیق نیافت. مدتی بعد، علامه حمّد جاسر، که از مورّخان بنام عربستان بود و نگارندهٔ این سطور، در ریاض با وی دیدار و از طریق نامه با وی ارتباط داشتم و ایشان را فردی سختکوش و دقیق و پر مطالعه یافتم، در این زمینه تحقیق نموده و نتیجهٔ پژوهش خود را در مجلهٔ العرب (۱۳۸۶-۱۳۸۷ ق.) انتشار داد.



وی در مقاله‌ای با عنوان «الریزه فی کتب المتقدّمین» چنین نتیجه می‌گیرد:

«از آنچه گذشت، می‌فهمیم که ریزه بین برکهٔ ابی سلیم و بئر نفازی قرار داشته و بعید نیست که چاه نفازی از چاههای ریزه باشد.»^{۳۴}

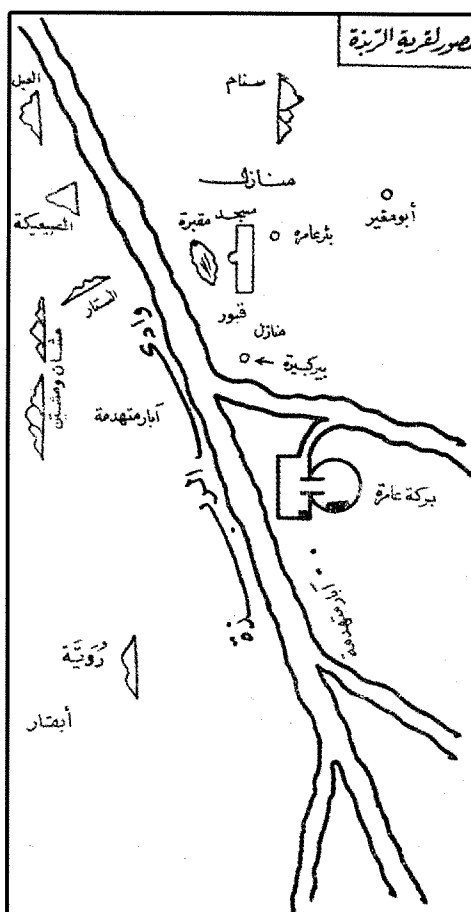
حمّد جاسر حدود هشت سال پس از نوشتن این مقاله؛ یعنی در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱۴ ه. ق. به منطقهٔ ریزه سفر کرد و از نزدیک با آثار آنجا آشنا شد و نظر قطعی خود را اعلام کرد که ریزه در کنار برکهٔ ابی سلیم قرار دارد.^{۳۵}

محمد بن ناصر العبودی نیز در مقاله‌ای با عنوان «الریزه ایضاً» که در مجلهٔ «العرب» به چاپ رسید، نظر حمّد الجاسر را تأیید کرده است.^{۳۶}

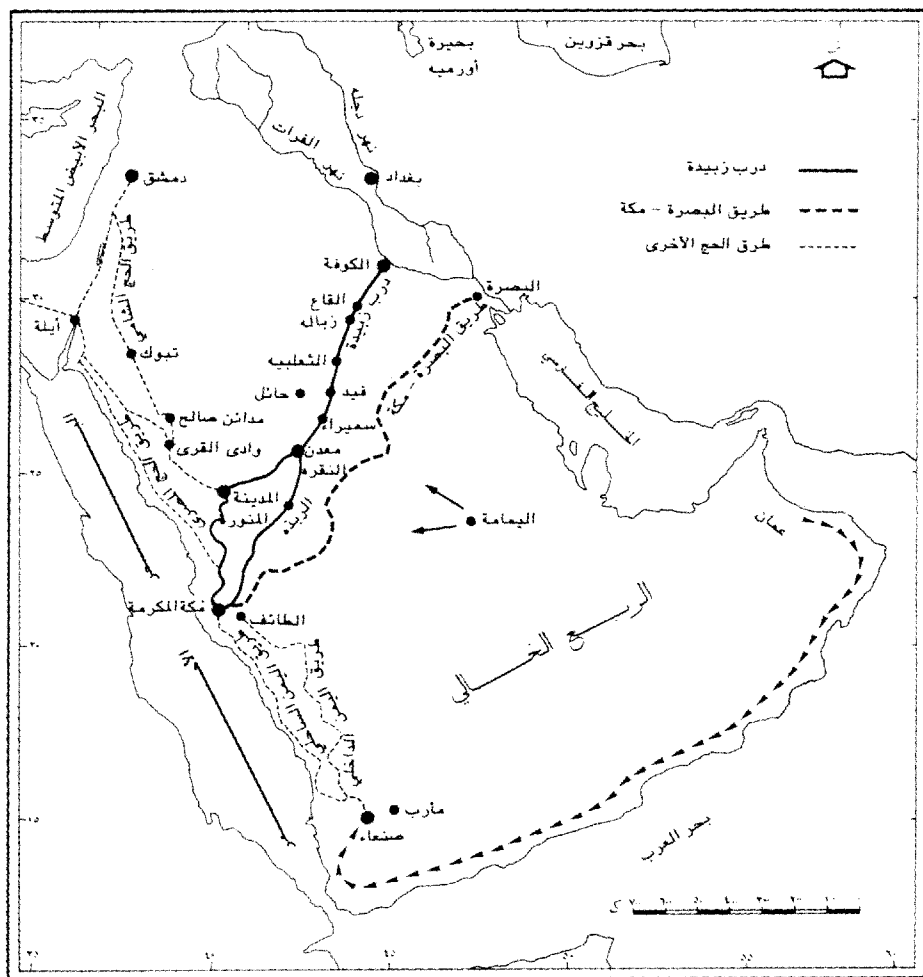


محققان دیگری مانند استاد سعد بن جنیدل در کتاب «معجم عالیة نجد»^{۳۷} و استاد عاتق بن غیث بلادی در کتاب «معجم معالم الحجاز» و نیز «معجم المعالم الجغرافیه فی السیرة النبوة»^{۳۸} همین نظریه را تأیید کرده‌اند.

بخش آثار و موزه‌های دانشگاه ملک سعود نیز پژوهش گسترده‌ای را در این منطقه آغاز کرد و پس از سالها تلاش، توانست آثار تاریخی ربه را از زیر خاک بیرون آورد. وی نتیجه پژوهش‌های خود را در کتابی با عنوان «الربه» منتشر کرد.



کروکی منطقه ربه از استاد سعد بن جنیدل که آقای عاتق بن غیث بلادی در کتاب معجم المعالم الجغرفیه فی السیرة النبویه، ص ۲۴ آن را از کتاب معجم عالیة نجد نقل کرده است.

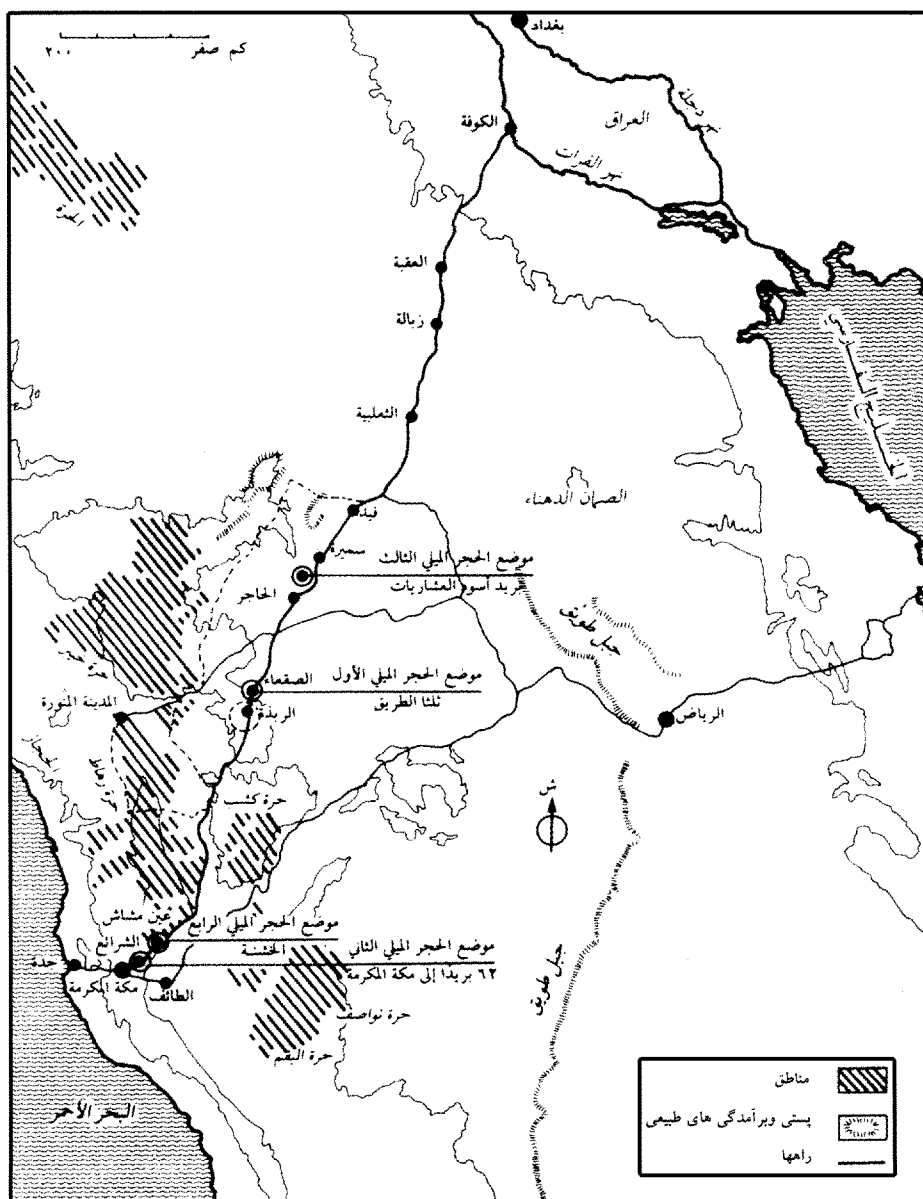


ربذه کجا است؟



نقشه راههای حج در دوره های اولیه اسلامی

به نقل از کتاب درب زبیده، ص ۳۶



منازل مسیر کوفه به مکه و مکان سنگهایی که نشان از میزان مسافت بوده است،
به نقل از کتاب درب زییده، ص ۳۵۳.

از مجموع آنچه گذشت، نتیجه می‌گیریم:

ربذه در فاصله حدود ۲۰۰ کیلومتری شمال شرقی مدینه واقع شده و موقعیت جغرافیایی آن، در کوههای حجاز غربی، بر خط طولی ۴۱°-۱۸ و خط عرضی ۲۴°-۴۰ درجه قرار دارد.

نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به این نقطه، استفاده از راه قصیم به مدینه است که حدود ۷۰ کیلومتر از مدینه فاصله دارد. از قصیم به ربذه نیز دو راه موجود است؛ یکی از سوی «معدن النقره» و دیگری «محطة الشقران» که پس از گذشت حدود ۲ تا ۳ ساعت و طی مسیر از طریق جاده‌های صحرایی، به ربذه خواهیم رسید.

منطقه ربذه دارای تپه‌های سنگی و کوههای مرتفع و وادی‌های آن دارای خاکی نرم و حاصلخیز است. بارندگی‌ها و سیل‌های فصلی در این منطقه موجب شده است تا گیاهان فراوانی در این سرزمین رشد کند و آنجا را محل مناسبی برای چراگاه گوسفند و بز و شتر قرار دهد.

ربذه در ۵۰ کیلومتری جنوب النقره، در شمال شرقی مدینه است که به برکه ابو سلیم شهرت دارد؛ منطقه‌ای صعب‌العبور میان کوه‌ها و شنزارها، که از مدینه تا آنجا، جاده‌ای نیست و قبری به نام ابوذر نیز در هیچ متن جغرافیایی و تاریخی ده قرن اخیر، شناسانده نشده است.

ربذه کجا است؟

به همین دلیل در صدر اسلام این منطقه در اختیار شتران و گوسفندان مربوط به بیت‌المال قرار گرفت و از زمان عمر بن خطاب تا دوره اول عباسی؛ یعنی زمان خلافت مهدی، چراگاه حکومتی بود.

بر اساس پژوهشهای انجام شده، منطقه ربذه دارای حدود ۵۰ نوع درخت و گیاه است که مهمترین آنها گیاهان و درختان لیموترش، رمث، سمر، سلم، سیال^{۳۹} و موز^{۴۰} است.

اهمیت دیگری که برای ربذه می‌توان برشمرد، قرار گرفتن آن بر سر راه حاجیان عراق از مسیر درب زییده بوده است؛ راهی که از کوفه آغاز و به مکه ختم می‌شد.

اقامتگاههای بین راهی آن حدود ۲۶ مورد بوده و ریزه نوزدهمین منزل اصلی در این مسیر است.^{۴۱}

در پایان این نوشتار، مطلبی را که در آغاز این نوشتار، از محقق فرهیخته، مرحوم سید محمد باقر نجفی ذکر گردید تکمیل می‌کنم تا اطمینان خاطری باشد برای کسانی که این موضوع را دنبال می‌کنند.

ایشان در پاسخ فیلسوف عالی قدر، محمد تقی جعفری - طاب ثراه - که خاطره دیدار خود از ریزه را بازگو کرده بودند، می‌نویسد:

«... گفتم چنین نشانه‌ای نادرست است؛ زیرا ریزه در ۵۰ کیلومتری جنوب النقره، در شمال شرقی مدینه است که به برکه ابو سلیم شهرت دارد؛ منطقه‌ای صعب‌العبور میان کوه‌ها و شنزارها، که از مدینه تا آنجا، جاده‌ای نیست و قبری به نام او نیز در هیچ متن جغرافیایی و تاریخی ده قرن اخیر، شناسانده نشده است.

مرحوم جعفری گفت: مدارک این موقعیت جغرافیایی تاریخی را بیاورید. فردای آن روز، تقدیم داشتم، آهی کشید و گفت: ما را به اشتباه انداختند. باید به کسانی که دیدار را نقل کرده‌ام تلفن کنم تا به اشتباه نیفتند. همان دقیقه گوشی تلفن را برداشت و شروع به شماره گرفتن نمود، با احترام و صداقت خاصی، این اعتماد به راننده مدنی را توضیح می‌داد.

عرض کردم، حالا مهم نیست، آنها که نمی‌خواهند به مدینه روند. گفتند: خطا، خطاست. باید تصحیح شود. بی آنکه موقعیت خود و یا مخاطبانم را در نظر آورم.^{۴۲}

پی‌نوشت‌ها:

۱. مقالة «خاطراتی از پروفیسور محمد تقی جعفری»، نوشته سید محمد باقر نجفی، ص ۲۹
۲. حسین عماد زاده، مکه معظمه، مدینه طیبه، ص ۴۱۲
۳. اصغر قائران، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، ص ۱۹۶
۴. علی رضا محمد خانی، با راهیان قبله، چاپ اول، ص ۱۷۵



۵. ابوذر غفاری شهید ربذه، ص ۲۲۶
۶. سیمای ابوذر غفاری، ص ۴۰۴
۷. بهجة الآمال، ج ۲، صص ۵۹۱ و ۵۹۴
۸. معجم البلدان، ج ۳ ص ۲۷
۹. معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۸، ایشان در این نقل بعضی منازل را حذف نموده و صحیح آن بین سلیله و ماوان است.
۱۰. معجم الامكنة الواردة ذكرها فی صحیح البخاری، ص ۲۵۵
۱۱. مرحله، مقدار مسافتی است که مسافر در یک روز طی می کند.
۱۲. کتاب المناسک، ص ۳۲۶
۱۳. وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۱۰۹۰
۱۴. مجمع البحرين ج ۲ ص ۱۳۱
۱۵. ثلاثة امیال که در متن آمده، قطعاً اشتباه است و به احتمال زیاد ثلاثة ایام بوده، همانگونه که در معجم البلدان ذکر شد.
۱۶. اعیان الشیعه ج ۴ ص ۲۲۵
۱۷. اخبار مدینه، ص ۳۷۶، چاپ مشعر.
۱۸. همان، ص ۳۸۳
۱۹. همان، ص ۳۸۵
۲۰. همان، ص ۳۸۷
۲۱. اخبار مدینه، ص ۴۱۳
۲۲. همان، ص ۳۴۲
۲۳. الاغلاق النفیسه، ص ۱۷۹
۲۴. همان ص ۱۸۷، ص ۱۷۹
۲۵. المناسک ص ۳۲۴ و ۳۲۷
۲۶. المناسک ص ۳۲۶ تا ۳۲۸
۲۷. صفة جزيرة العرب، ص ۳۳۸
۲۸. الربذه، ص ۴۰
۲۹. درب زبیده، ص ۲۵۱
۳۰. الربذه، ص ۲۸ به نقل از الهمدانی؛ الاکلیل، ج ۱۰، ص ۲۱۹
۳۱. همان.
۳۲. درب زبیده، ص ۲۵۲
۳۳. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۱۰۸؛ درب زبیده، ص ۲۵۳
۳۴. الربذه فی کتب المتقدّمین، العرب (ذو القعدة ۱۳۸۶ ه.ق. صص ۴۲۷ - ۴۱۸)

۳۵. الربذه، ص ۳۶

۳۶. العرب، ج ۳ و ۴، رمضان و شوال ۱۳۹۶ هـ. صص ۱۶۷ - ۱۶۱

۳۷. معجم عالية نجد، ج ۱، صص ۵۹۱ - ۵۷۱

۳۸. معجم معالم الحجاز، ج ۴، صص ۲۷ - ۱۹ و معجم المعالم الجغرافية فى السيرة النبوية صص ۱۳۵ و ۱۳۶

۳۹. مفرد آن سیاله است و نام گیاهی است دارای خارهای سفید و بلند که هنگام کندن شدن، مایعی شیر مانند از آن بیرون می آید.

۴۰. الربذه، ص ۲۷ و ۲۸، به نقل از احمد مجاهد و عبدالله محمد الشيخ «الغطاء النباتی لمنطقة الربذه بغرب الجزيرة العربية، قسم النبات» كلية العلوم، جامعة الملك سعود، ۱۹۸۱ م.

۴۱. الربذه، ص ۲۹

۴۲. خاطراتی از پروفیسور محمد تقی جعفری، بین سالهای ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶، ص ۲۹

